

## عدالت اقتصادی، روح حاکم بر نظام اقتصادی اسلام

حجۃ الاسلام سید عباس موسویان<sup>(۱)</sup>

### چکیده

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًاٍ بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنَزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُولُوا إِنَّمَاٰنَا بِالْقِسْطِ<sup>(۱)</sup>: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

مطالعه تعالیم اجتماعی قرآن و اسلام نشان می‌دهد که نگرانی اصلی شریعت از واگذاری انسانها به حال خود، و هدفش از طرح نظامات اجتماعی دینی، تحقق عدالت اجتماعی است.

دین مقدس اسلام تحقق عدالت در عرصه اقتصاد را از دو طریق دنبال می‌کند. از یک سو به همه افراد جامعه حق می‌دهد که از یک زندگی متعارف و آبرومندانه انسانی برخوردار باشند و از سوی دیگر با اتخاذ احکام و روش‌هایی به دنبال متوازن کردن ثروتها و درآمدها است.

اسلام فقر و گرفتاری انسان را نه در خست طبیعت و کمبود منابع، بلکه در نتیجه اعمال و رفتار خود انسانها می‌داند، طبق آیه شریفه «مَا مِنْ ذَايِةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»<sup>(۲)</sup> (روزی هر جنبده‌ای را خداوند مهیا کرده است) و آیه شریفه «وَمَا تَكُونُ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلَتُمُوهَا»<sup>(۳)</sup> خداوند هر آنچه را انسانها به آن نیازمند هستند فراهم کرده است. پس باید ریشه هر فساد و بدیختی را در جای دیگر جستجو کرد، یعنی در خود انسان و اعمال و رفتار او: «ظَاهِرُ الْفِسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ يَمْا كَسَبَتِ آيَدِيُ النَّاسِ»<sup>(۴)</sup>: فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی آشکار شده که مردم انجام داده‌اند.

۱- عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اقتصاد اسلامی گرچه آزادی فعالیتهای اقتصادی انسانها را به عنوان یک اصل و به عنوان ودیعه‌ای الهی و منبع جوشش ابتكارات و نوآوریها قبول دارد و حاصل تلاش و اندیشه هر فرد را در قالب مالکیت خصوصی به رسمیت می‌شناسد، لکن برای تحقیق عدالت و جلوگیری از فقر و تنگدستی گروهی از انسانها و برای مبارزه با تضاد طبقاتی، از روش‌های ظالمانه انحصاری و احتکاری در استفاده از موهاب طبیعی و در تنظیم روابط حقوقی بین عوامل تولید منع می‌کند.

۱- حدید، ۲۵.

۲- هود، ۶.

۳- ابراهیم، ۳۴.

۴- سوره روم آیه ۴۱

### مقدمه

در این مقاله با بررسی علل و عوامل به وجود آورنده فقر و تضاد طبقاتی از دیدگاه اسلام، راههای پیشگیری و مبارزه با آنها را بیان می‌کنیم. علاوه بر صراحت آیات متعددی از قرآن که انگیزه اصلی ارسال پیامبران و ارزال کتب آسمانی را تحقق عدالت در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌داند، مطالعه تعالیم اجتماعی اسلام نیز به وضوح نشان می‌دهد که دغدغه اصلی شریعت از واگذاری انسانها به حال خود و هدف آن از طرح نظمات دینی، تحقق عدالت اجتماعی است.

قبل از ورود به بحث به عنوان بیان روش تحقیق و به عنوان سپاس و قدردانی از دو استاد اندیشمند و برجسته اسلامی شهید آیة‌الله محمدباقر صدر و استاد محمد رضا حکیمی مقدمه‌ای را می‌آورم. شک نیست آیة‌الله صدر با خلق اثر کم نظری «اقتصادنا» گام بلندی در کشف قواعد کلی حاکم بر اقتصاد اسلامی از احکام فقهی و حقوقی برداشته و با تنظیم آن قواعد در چهارچوبی منظم و منطقی چهرهٔ شفاف و زیبایی از مکتب اقتصادی اسلام ارائه کرده و دهها سؤال نهفته در دل اقتصاددانان مسلمان را پاسخ گفته است، لکن انحصار ایشان در کشف مباحث، به روش اجتهداد در اجتهداد و اکتفای ایشان به فتاویٰ فقهاء و نادیده گرفتن آیات و روایات اقتصادی موجب شده که اولاً ادامه تحقیق منحصر به افرادی چون خود ایشان شود که علاوه بر اجتهداد مصطلح قدرت انتزاع احکام فرعی را دارند و ثانیاً خیلی از زوایای دقیق و مورد نیاز در نظام سازی که در لابه لای آیات و روایات وجود دارد غفلت قرار گیرد. از طرف دیگر استاد فرزانه محمد رضا حکیمی با تأليف اثر گرانقدر «الحياة» با استفاده از متون اصیل اسلامی یعنی آیات و روایات معصومان (علیهم السلام) انبوھی از مفاهیم اساسی و کلیدی را در اختیار نظریه پردازان و اقتصاددانان مسلمان قرار داده‌اند که در نوع خود بی‌نظیر است. لکن نبود چهارچوب

معهود و شناخته شده اقتصادی در بیان مباحثت، موجب شده استفاده از مباحثت والای این کتاب برای محققان و کارگزاران اقتصادی مشکل شود. در این مقاله سعی بر آن است که با تلفیق روش تحقیق این دو استاد فرزانه، مباحثت عمیق قرآنی، روایی و فقهی درباره عدالت اقتصادی با به کارگیری متنون مشهور مکاتب اقتصادی ارائه شود.

### مفهوم عدالت اقتصادی

تعاریف مختلفی از عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام از سوی اندیشمندان مسلمان ارائه شده که تا حدود زیادی به هم نزدیکند، به نظر نویسنده، عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام عبارت است از تأمین اجتماعی و ایجاد تعادل و توازن در ثروتها و درآمده است.<sup>(۱)</sup> نظام اقتصادی اسلام تحقق عدالت در عرصه اقتصاد را از دو طریق دنبال می‌کند. از یک سو به همه افراد جامعه حق می‌دهد که از یک زندگی متعارف و آبرومنداند انسانی برخوردار باشند و از سوی دیگر با اتخاذ احکام و روشهایی به دنبال متوازن کردن ثروتها و درآمده است و در نقطه مقابل نیز هر نوع فقر و بدبختی و به وجود آمدن فاصله طبقاتی را نتیجه عدم تحقق عدالت می‌داند.

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عُدِلَّ بَيْنَهُمْ»<sup>(۲)</sup> اگر

در میان مردمان به عدالت رفتار شود همه بی نیاز می‌گردند.

در این مقاله با بررسی علل و عوامل بوجود آورنده فقر و تضاد طبقاتی از دیدگاه اسلام، راههای پیشگیری و مبارزه با آنها را بیان می‌کنیم؛ لکن به عنوان دفع برخی شباهات دو بحث را مقدم می‌داریم. ابتدا دیدگاه اسلام نسبت به فقر را بررسی می‌کنیم تا جوابی باشد به افرادی که گمان می‌کنند ادیان الهی فقر را پدیده‌ای مقدس می‌دانند، و سپس به بررسی دیدگاه برخی صاحبان قدرت و سرمایه که در طول تاریخ سعی کرده‌اند فقرگری را ناشی از خست طبیعت و کمبود منابع طبیعی نشان دهند می‌پردازیم.

۱- این تعریف با مختصر تفاوتی از تعریف شهید آیت‌الله صدر و تعریف استاد محمد رضا حکیمی گرفته شده است مراجعه شود به: اقتصادنا، آیت‌الله صدر، مکتبة الاعلام الاسلامی، ص ۶۶۱ تا ۶۷۱ و الحیاء، محمد رضا حکیمی ترجمه احمد آرام، ج ۳، ۲۱، ص ۵۶۸. ۲- کافی ج ۳، ص ۲۱.

## اسلام و فقر

بسیارند افراد کم‌اطلاعی که نسبت به حکمت تعالیم انبیا و وصایای آنان با دیدن روایاتی چون دعای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و سلیمانة) که فرمود: «اللهم اخشرنی فی زمرة المساکین یوم القيامة»<sup>(۱)</sup> یا سفارش آن حضرت به گرامی داشتن فقرا که فرمود: «من اکرم فقیراً مسلماً لقى الله یوم القيامة و هو عنده راض»<sup>(۲)</sup> شتابزده دست به قضاوت زده و ادیان آسمانی را متهم به اعراض از دنیا و ترغیب افراد به فقر کرده‌اند، در حالی که صاحبان علم و اندیشه می‌دانند تلخترین پدیده در کام انبیا و در مذاق شرایع فقر است، به طوری که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلیمانة) در موارد زیادی از فقر و تنگدستی به خداوند پناهنده شده می‌فرمایند: «اللهم انى اعوذ بك من الكفر والفقر، فقال رجل: أيعذلان؟ قال: نعم»<sup>(۳)</sup>: «الله خداوندا، از کفر و تنگدستی به تو پناه می‌برم. مردی پرسید: آیا آن دو همسانند؟ فرمود: بله»

در روایتی دیگر حضرت (ص) علت آن را بیان کرده فرموده‌اند: «لولا رحمة ربى على فقراء امتى كاد الفقر يكون كفراً»<sup>(۴)</sup>: اگر رحمت و شفقت پروردگارم بر فقرای امتم شامل نبود نزدیک بود که فقر به کفر تبدیل شود.

یا در دعای دیگری فرمودند: «اللهم بارک لنا في الخبر و لا تفرق بيننا وبينه، فلو لا الخبر ماصلينا ولا صمنا ولا ديننا فرأض ربتنا»: خداوندا، نان را برای ما با برکت قرار ده، و میان ما و نان جدایی مینداز، زیرا اگر نان نباشد نه می‌توانیم نماز بگزاریم، نه روزه بداریم و نه دیگر واجبات الهی را انجام دهیم.

اصولاً چگونه فقر می‌تواند محبوب پیامبران باشد. در حالی که به بیان قرآن، فقر و فحشا و عده شیطان است. خداوند در کلامی بلیغ، فقر و فحشا را کنار هم گذاشته، آن دو را وعده شیطان، و فضل و مغفرت را وعده خود دانسته می‌فرماید: «الشیطان يَعُذُّ كُمْ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُ كُمْ بِالْحَشَاءِ وَ اللَّهُ يَعُذُّ كُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ»<sup>(۵)</sup>.

۱- خداوندا: مرا روز قیامت با مستعدان محشور فرما! میزان الحكمه ج ۳، ص ۲۴۴۲.

۲- هر کس فقیر مسلمانی را گرامی دارد روز قیامت خداوند را ملاقات کند در حالی که از او راضی است،

میزان الحكمه، ج ۳ ص ۲۴۴۶.

۳-

میزان الحكمه، ری شهری، ج ۳، ص ۲۴۳۸.

۴- همان.

۵- سوره بقره، آیه ۲۶۸.

در جایی دیگر، خداوند در عین تشویق و ترغیب انسان به آخرت و اعتنا به زندگی جاویدان، وی را متوجه زندگی دنیا کرده می‌فرماید: «وَأَبْيَغْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الْدَّارُ الْآخِرَةُ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»<sup>(۱)</sup>: در آنچه خدا به تو داده سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن.

پس چگونه فقر می‌تواند محبوب پیامبر ﷺ باشد، در حالی که ایشان از حضرت ابراهیم خلیل ﷺ نقل می‌کنند که می‌فرمود: «يا رب! الفقر اشد من نار نمرود»<sup>(۲)</sup>: پروردگارا فقر از آتش نمرود سخت‌تر است، یا خود آن حضرت می‌گفتند: «الفقر اشد من القتل»<sup>(۳)</sup>: فقر سخت‌تر از مرگ است.

مطالعه تاریخ زندگی پیامبران و امامان و اولیای خدا نیز نشان می‌دهد که اگر چه برای تسبیک آلام و کاهش پریشانی در ماندگان و تهییدستان با آنان بنای رفاقت می‌گذاشتند و زندگی خود را فقیرانه می‌کردند، لکن با فکر و تدبیر بر اصلاحی فقر و تدارک زندگی شرافتمدند: به برای همه انسانها همت می‌گماردند.

### فقر پدیده‌ای عارضی

از دیر زمان صاحبان قدرت و ثروت به اشکال مختلف با توسل به توجیهات مختلف و علت تراشیهای گوناگون سعی کرده‌اند این باور را در اذهان مردم به وجود آورده‌اند که امکانات و منابع جامعه محدود و نیازهای انسانها نامحدود است و بنا براین به طور طبیعی عده‌ای از دسترسی به مایحتاج زندگی محروم خواهند بود. پس بهترین کار آن است که هر کس به هر آنچه طبیعت خسیس عطا می‌کند راضی باشد و قبول کند که فقیر و گرسنه ماندن عده‌ای بهتر از فقر عمومی است. در نتیجه نه فقرا به دیده ظلم و خیانت به اغنية بنگرنند و نه اغنية از حضور تهییدستان و محرومان آزرده خاطر گردند؛ چون در مسابقه‌ای که یک جایزه بیشتر ندارد فقط یک نفر کامیاب خواهد داشت.<sup>(۴)</sup>

۱- سوره قصص، آیه ۷۷.

۲- میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۴۴۲.

۳- همان، ص ۲۴۴۱.

۴- برای بررسی این قبیل نظریات مراجعه شود به کتاب ظهور و سقوط لیبرالیسم، آنتونی آریسلستر، ص ۳۹۰ - ۳۷۴.

اسلام و قرآن امثال این چنین تفکری را سفاهت و افترا بر خدا قلمداد کرده، در مقام سرزنش و توبیخ کسانی که گول چنین توجیهاتی را خورده‌اند می‌گوید: «قَدْ حَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أُولَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ أَفْتَرَاهُ عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»<sup>(۱)</sup>: به یقین آنها که فرزندان خود را از روی جهل و نادانی (از ترس فقر) کشتند، گرفتار خسران شدند، آنچه را خدا به آنها روزی داده بود تحریم کردند، و بر خدا افترا بستند، آنها گمراه شدند و (هرگز) هدایت نیافته بودند.

خداؤند متعالی با فرستادن آیات متعددی از قرآن به بیان‌های مختلف، تفکر فقر ذاتی را باطل دانسته و ریشه همه بدیختیها را نه در خست طبیعت بلکه در اعمال زشت و ظالمانه انسان‌ها می‌داند. آیات مذکور را در قالب پنج مرحله بیان می‌کنیم.

در مرحله اول، خداوند متعال با فرستادن آیه‌ای و عده داد که روزی هر جنبده را فراهم می‌کند: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»<sup>(۲)</sup>: هیچ جنبده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست، او قرارگاه و محل رفت و آمدش را می‌داند، همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است.

در مرحله دوم، خداوند به عنوان یک سنت مستدام اعلام کرد که به هیچ وجه از وعده خود تخلف نمی‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»<sup>(۳)</sup>: به یقین خداوند از وعده خود تخلف نمی‌کند.

در مرحله سوم خداوند راه کسب روزی را نشان داده، به انسان‌ها پیام داد که خزان روزی همه در دست او است و او اندازه روزی همه را می‌داند: «وَالْأَرْضُ مَدَدُنَا هَا وَالْقَيْتَا فِيهَا رَوَاسِيٌّ وَأَنْبِتَنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْرُونِ ○ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِيقَنَ ○ وَإِنْ مَنْ شَيْءٌ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدْرٍ مَعْلُومٍ»<sup>(۴)</sup>: و زمین را گستردیم و در آن کوههای ثابتی افکنديم و از هر گیاه موزون در آن رویانیدیم، و برای شما انواع وسائل زندگی در آن قرار دادیم. همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید! هیچ چیزی نیست مگر اینکه خزان آن نزد ما است و ما جز به اندازه

۱- سوره انعام، آیه ۱۴۰.

۲- سوره هود، آیه ۶.

۳- سوره رعد، آیه ۳۱.

۴- سوره حجر، آیه ۱۹ - ۲۱.

معین آن را نازل نمی‌کنیم.

در مرحله چهارم خداوند به انسانها خبر داد که هر آنچه برای زندگی لازم دارد به اندازهٔ فراوان آماده است : «**أَللَّهُ الَّذِي خَاقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَا أَتَىٰ** فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الْكَسَرَاتِ رُزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ ۝ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْلَّيلَ وَالنَّهَارَ ۝ وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»<sup>(۱)</sup> خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی فرستاد و با آن میوه‌های (مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد ... و از هر چیزی که از او خواستید (نیازمند بودید) به شما داد و اگر نعمتهای خدا را بشمارید هرگز آنها را شماره توانید کرد.

در مرحله پنجم خداوند روشی می‌سازد که هر فساد و بدیختی از ناحیه اعمال خود انسانها و نتیجهٔ اعمال ناشایست خود آنها است : «**ظَاهِرُ الْفَسَادِ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبُتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذَيَّقُهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ**»<sup>(۲)</sup> فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است. خدا می‌خواهد نتیجهٔ بعضی از اعمالشان را به آنها بچشاند شاید (به سوی حق) بازگردد.

نتیجه اینکه مطابق تعالیم اسلام و قرآن، خداوند وعده کرده روزی انسانها و همه موجودات را برساند و این کار را در حد فراوان انجام داده است و هرگونه کاستی و کمبود ناشی از اعمال و رفتار خود انسانها است. بنابراین فقر و تنگدستی گروهی از انسانها نه به خست طبیعت، بلکه به رفتار خود آنان یا گروهی دیگر از انسانها مرتبط است و پدیدهٔ فقر نه حقیقتی ذاتی بلکه پدیده‌ای عارضی است. این معنای کلام امام علی (ع) است که می‌فرماید: «**مَا جَاعَ فَقِيرًا لَا بِمَا مَنَعَ غَنِيًّا**»<sup>(۳)</sup>: هیچ فقیری گرسنه نماند، مگر آنکه توانگری از دادن حق او ممانعت کرد. و نیز معنای کلام امام صادق (ع) که می‌فرماید: «**إِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا حَتَّاجُوا وَلَا جَعَوْا وَلَا عَرَوْا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ**»<sup>(۴)</sup>: همانا مردم جز در اثر گناه ثروتمندان، فقیر و محتاج و گرسنه و برهمه نمی‌گشتنند.

۱- سوره ابراهیم، آیه ۳۶ - ۳۷.

۲- سوره روم، آیه ۴۱.

۳- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ج ۴، ص ۱۲۴۲.

۴- الحیاة حکیمی، ج ۴، ص ۳۲۹.

## علل و عوامل فقر و تضاد طبقاتی

از قرآن و روایات پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و سخنان امامان معصوم (ع) استفاده می‌شود که عوامل متعددی در پیدایش و استمرار فقر و تضاد طبقاتی در جوامع انسانی نقش دارند. برخی از این عوامل، اختیاری و ارادی و برخی دیگر غیراختیاری است، کما اینکه بعضی به جامعه مربوط است و بعضی به فرد و برخی به هر دو در این بخش به اهم این عوامل و راههای مبارزه با آنها از نظر اسلام می‌پردازیم.

### ۱- بیکاری و تن پروری

براساس تعالیم اسلام، سنت خداوند بر آن است که انسانها با کار و تلاش روزی خود را به دست آورند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَتَابِكِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ»<sup>(۱)</sup>: خداوند کسی است که زمین را برای شما رام کرد، پس در اطراف آن حرکت کنید و از روزیهای خداوند بخورید.

امام رضا (ع) در بیان این سنت الهی می‌فرماید: «لَيْسَ لِلنَّاسِ بِئْدٌ مِنْ طَلَبِ مَعَشِهِمْ فَلَا تَدْعُ الظُّلْمَ»<sup>(۲)</sup>: مردمان ناگزیر باید برای طلب معاش خود بکوشند، پس طلب معاش را ترک مکن.

امام علی (ع) می‌گویند: «مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى كَدْهٍ، صَبْرٌ عَلَى الْإِفْلَاسِ»<sup>(۳)</sup>: هر کس رنج کارکردن را نخواهد به رنج افلاس گرفتار آید.

در همین خصوص، وقتی حضرت موسی (ع) از خداوند می‌پرسد: «يَا رَبَّ اَيِّ عَبَادَكَ اَبْغُضُ الْيَكِ؟ قَالَ: جِيفَةَ بِاللَّيلِ، بَطَّالَ بِالنَّهَارِ»<sup>(۴)</sup>: خدایا! کدام بنده را بیشتر دشمن می‌داری؟ خطاب آمد: آن که در شب چون مردار می‌افتد و روز را به بیکارگی سپری کند.

بدیهی است در سطح وسیع نیز اگر ملتی از رنج کار و تلاش گریزان باشند، هیچ وقت روی سعادت و رفاه و آسایش را نخواهند دید.

۱- سوره ملک، آیه ۱۵.

۲- الحیاء، ج ۴، ص ۴۴۲.

۳- همان، ص ۴۳۶.

۴- الحیاء، ج ۵، ص ۳۳۳.

## ۲- مصرف‌گرایی

مردم برای ادامه حیات نیازمند استفاده از کالاهای و خدمات هستند و طبیعی است اگر این مصرف اگر متناسب با درآمد و به هدف تأمین نیازهای حقیقی باشد هیچ فرد و جامعه‌ای دچار فقر و عقب‌ماندگی نمی‌شود، ولی زیاده‌روی و بی‌برنامگی در مصرف خصوصاً باز شدن در اسراف و تبذیر و پیدا شدن فرهنگ مصرف‌گرایی به سرعت توان اقتصادی را تحلیل برده، عامل گسترش فقر و فاصله طبقاتی می‌گردد. از این رو در اسلام با مصرف‌گرایی و اسراف شدیداً مبارزه شده است.

در قرآن آمده است: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا مِنْتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُّوا وَأْشَرِبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>(۱)</sup>: ای فرزندان آدم! هنگام رفتن به مسجد خود را آراسته دارید. (از نعمتهای خدا) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکفید که خداوند مشرفان را دوست نمی‌دارد.»

امام علی (ع) می‌فرماید: «سبب الفقر الاسراف»<sup>(۲)</sup>: اسراف سبب فقر است یا امام کاظم (ع) فرموده‌اند: «من بذر و اسراف زالت عنہ النعمۃ»<sup>(۳)</sup>: هر کس در زندگی خود اسراف و تبذیر کند، نعمت از زندگی او برطرف شود.

## ۳- سوء تدبیر

ایجاد تناسب بین هزینه‌ها و درآمدها و تنظیم آنها براساس اولویتها و ضرورتها بر هر فرد و خانوار ضروری است. چه بسا غفلت از برنامه‌ریزی صحیح خلل‌هایی در زندگی به وجود آورده که به سادگی قابل جبران نیست. گاه نیازهای ضروری و مهم بر زمین می‌ماند و در مقابل درآمد صرف چیزهایی می‌شود که اهمیتی ندارند.

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «ترك التقدير في المعيشة، يورث الفقر»<sup>(۴)</sup>: نداشتمن برنامه‌در زندگی موجب فقر می‌شود یا در کلام دیگر می‌فرمایند: «حسن التدبير يمني قليل المال و سوء التدبير يفسى كثيره»<sup>(۵)</sup>: برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی، مال اندک

۱- سوره اعراف، آیه ۳۱.

۲- الحیاء، ج ۴، ص ۴۰.

۳- تحف العقول، ص ۲۹۷.

۴- الحیاء، ج ۴، ص ۴۰.

۵- حمان، ص ۴۸۸.

را افزایش می‌دهد و برنامه‌ریزی غلط مال فراوان را نایاب می‌کند. این موضوع آنقدر اهمیت دارد که امام سجاد (ع) در دعاibi از خداوند متعال می‌خواهد: «اللَّهُمَّ ... عَلَّمْنِي حَسْنَ الْتَّدْبِيرِ»: (۱) خدایا! برنامه‌ریزی شایسته اقتصادی را به من بیاموز.

روشن است که مسئله سوء مدیریت و بی‌برنامگی در مقیاس وسیعتر باعث فقر و فلاکت یک ملت و جامعه می‌گردد. ممکن است انتخاب یک الگوی ناشایست یا یک استراتژی نامناسب دهها سال یک کشور را وابسته و عقبمانده نگه دارد. بر این اساس، اسلام توجه جدی بر مدیریت اموال دارد از تصدی این امر توسط افراد ناشایست به شدت منع کرده است. در قرآن می‌خوانیم: «وَلَا تُؤْتُوا أَلْسُنَةَ أُمَّةٍ أَكُمُّ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَاماً»: (۲) اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید.

و امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «أَنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبَقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالَ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَيَصْنَعُ الْمَعْرُوفَ وَأَنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالَ فِي أَيْدِيِّ مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَلَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ»: (۳) به درستی که بقای مسلمانان و بقای اسلام در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق آن را می‌دانند می‌توانند به طریق صحیح از آن استفاده کنند و همانا فنای اسلام و مسلمانان در این است که اموال آنان در اختیار کسانی باشد که حق آن را نمی‌شناسند و نمی‌توانند به روش صحیح از آنها بهره‌برداری کنند.

همچنین امام علی (ع) درباره حاکمیت زمامداران ستمگر که به جای مصالح مردم

به منافع خود می‌اندیشند می‌فرماید:

«مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةِ أَخْرَبِ الْبَلَادِ وَأَهْلِكَ الْعِبَادَ»: (۴) حاکم و زمامداری که مالیات را برای غیر عمران و آبادانی می‌گیرد، شهرها را خراب و مردم را هلاک می‌گرداند.

۱- الحجۃ، ج ۴، ص ۲۲۸. ۲- سورة نساء، آیه ۵.

۳- شیخ حز عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۲۱.

۴- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

#### ۴- ساختار نامطلوب نظام اقتصادی

با اطمینان می‌توان گفت که مهمترین عامل فقر و بدبختی گروهی از انسانها و به وجود آمدن تضاد طبقاتی بین مردم، ساختار ناسالم نظام اقتصادی حاکم بر جوامع وجود روابط ظالمانه بین افراد است. در طول تاریخ، نظامهای اقتصادی غیرالله‌ی که عمدتاً مطابق خواست ثروتمندان و قدرتمندان شکل گرفته‌اند از جنبه‌های مختلف زمینه فقر و تنگدستی مردم و رفاه فرعونی گروه اقلیت را فراهم ساخته‌اند، اما نظام اقتصادی اسلام با شناسایی این موارد به مبارزه پیگیر با آنها می‌پردازد. در ادامه به بررسی این جنبه‌ها و موارد می‌پردازیم.

##### الف - مالکیت خصوصی نامحدود

مطابق آیه «وَالْأَرْضُ مَدَدْنَا هَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبُسْتَا فِيهَا مِنْ كُلٌّ شَيْءٍ مَوْزُونٌ ① وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ»<sup>(۱)</sup>: وزمین را گستردیم و در آن کوههای ثابتی را افکنديم و از هر گیاه موزون در آن رویاندیم و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم. خداوند مبادی روزی مردمان را در زمین گسترد که حاوی اراضی قابل کشت و زرع، معادن، کوهها، دریاها، رودخانه‌ها، گیاهان و حیوانات است. از طرف دیگر هر انسان بر اساس غریزه حبّ ذات دوست دارد که هر شیء بالرزش و سودمند را به مالکیت خصوصی خود درآورد. در این شرایط اگر مالکیت خصوصی حدّ و حدودی نداشته باشد اقلیتی با سوء استفاده از فرصتها و با بهره‌گیری از موقعیتها منابع طبیعی مذکور را به مالکیت خصوصی خود در می‌آورند و دیگران را از دسترسی به منابع رزق و روزی محروم می‌دارند.

آن گروه از نظامهای اقتصادی که به محض کشف و تسلط فرد بر یکی از منابع طبیعی و ثروتهاي عمومی مالکیت خصوصی وی را به رسمیت می‌شناسند و دیگران را از بهره‌مندی از آن ثروت محروم می‌کنند آشکارا زمینه را برای فقر و تنگدستی یک گروه و پدید آمدن ثروت انبوه برای گروه دیگر فراهم می‌آورند.

نظام اقتصادی اسلام با عنایت به این امر خطیر و با توجه به آثار سوء تمرکز ثروت در دست اغیانی، ساختار ویژه‌ای را در مورد مالکیت تدبیر کرده است.

اولاً بخش زیادی از اموال و ثروتهای طبیعی چون دریاها، رودخانه‌ها، کوهها، جنگلها، دشتها و بیابانها، معادن، حیوانات بیابانی، ماهیهای دریاها و رودخانه‌ها، درختان جنگلی، و علفهای بیابان را از دایرهٔ مالکیت خصوصی خارج کرده و همهٔ افراد را در استفاده و بهره‌برداری از آنها یکسان دانسته است.

ثانیاً تحقق مالکیت خصوصی را نه بر مبنای کشف و سلطه، بلکه بر اساس ریزش کار مفید و مشروع می‌داند. برای مثال اگر کسی قصد دارد از زمین استفاده کند فقط آن قسمت را مالک خواهد شد که روی آن کار مفید اقتصادی و مجاز شرعی انجام داده و برای مثال، آن را به مزرعه‌ای، باغی، کارخانه‌ای تبدیل کرده باشد یا اگر کسی قصد بهره‌برداری از معدنی را دارد فقط آن مقدار از معدن را که با کار مفید استخراج کرده مالک می‌شود. درنتیجه در این نظام نه کسی با کشیدن سیم خاردار اطراف یک زمین قابل کشت می‌تواند مالک آن شود و نه با کشف و به ثبت رساندن یک معدن مجاز است مانع استفاده دیگران گردد.

پس نه گروهی اندک یک شبهٔ ثروتهای طبیعی را مالک می‌شوند و نه اکثریتی برای طول تاریخ از آنها محروم می‌گردند، زیرا محدود کردن مالکیت خصوصی به ریزش کار مفید و مشروع در عین حال که برای همه انسانها فرصت‌های نسبتاً مساوی در ایجاد مالکیت بوجود می‌آورد، دایرهٔ آن را در حد قابل توجه محدود می‌کند.

بر همین اساس است که مطابق آیهٔ شریفه پیامبر اکرم (علیه السلام و سلام) مأمور می‌شوند غنائم و ثروتهای عمومی را بین همه توزیع کنند تا ثروت در دست اغیانی متمرکز نشود. «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرْبَى فَلِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ وَأَبْنَى السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»<sup>(۱)</sup>: آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.

امام علی (ع) در این باره می فرماید: «لکنی آسی ان یلی امر هذه الامة سفهاؤها و فجارها فیتخدوا مال الله دولًا و عباده خولاً»؛ از این اندوهناکم که بیخردان و تبهکاران این امت امر آنان را بدست گیرند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را برده خود سازند.

این امر امروزه در غالب کشورها مشاهده می شود که اقلیتی با سوء استفاده از قدرت حاکمیت و رابطه با حاکمان ظالم بر ثروتهای طبیعی مسلط شده، اکثر مردم را در مقابل دستمزدی ناچیز برده وار به کار می گیرند.

سومین مسأله که درباره با مالکیت خصوصی درینش اسلامی اهمیت دارد این است که از نظر اسلام مالک حقیقی تمام اموال و داراییها و امکانات، خداوند است: «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»<sup>(۱)</sup> هر آنچه در آسمانها زمین است از آن خداوند است و همه کارها به سوی او بازمی گردد (به فرمان اوست). بنابراین هر آنچه انسانها با کار و تلاش از منابع ثروت به دست می آورند در واقع فضل و بخشش الهی است که به عنوان پاداش سعی و کوشش و به رسم امامت در اختیار آنان گذارده است. در تیجه خداوند به عنوان مالک حقیقی حق دارد در مورد اموال و املاک خصوصی افراد تصمیم گیرد: «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ»<sup>(۲)</sup> به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه (اموالی که) شما را جانشین و نماینده خود در آن قرار داده اتفاق کنید.

امام رضا (ع) درین باره می فرماید: «اذا كان الله تعالى المالك للنفوس والاموال وسائر الاشياء الملك الحقيقي و كان ما في ايدي الناس عواري»<sup>(۳)</sup> خداوند مالک حقيقي مردمان و اموال و دیگر چیزها است و آنچه در دست مردم قرار دارد عاریت است.

۱- سوره آل عمران: آیه ۱۰۹. ۲- سوره حديد، آیه ۷.

۳- حکیمی: معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۲۶

### ب - آزادی نامحدود

شکی نیست که آزادی از مواهب ارزشمند خدا برای انسانها است و در عرصه اقتصادی، وجود بازارهای آزاد کالاها و عوامل تولید باعث گسترش روزافزون مبادلات، به کارگیری عوامل تولید و اشتغال و نیز بروز استعدادها و ابتکارات و پدیدار گشتن امکانات جدید و در نتیجه پیشرفت و توسعه و رفاه انسانها می‌شود، لکن همانند هر نعمت دیگر اگر از آن به نحو صحیح استفاده نگردد چه بسا خود تبدیل به مشکل و عامل بدیختی گردد.

اگر در همه زمانها و مکانها تمام افراد از آگاهی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، هوش و استعداد یکسان برخوردار بودند شاید وجود آزادیهای مطلق امری مطلوب و پسندیده بود، لکن بنا به اختلاف مراتب انسانها از این جهات، اعطای آزادی مطلق زمینه ساز سلط اقلیت بر اکثریت و پدیدار شدن انحصار خواهد بود.

در زمینه اقتصاد، وجود آزادیهای نامحدود موجب می‌شود که صاحبان قدرت و سرمایه و استعدادهای برتر با سوء استفاده از قدرت چانه‌زنی، بر دیگران مسلط شوند روابط اقتصادی را همیشه به نفع خود تمام کنند. احتکار مایحتاج ضروری مردم، تشکیل انحصارات، رقابت‌های ناسالم برای ورشکست کردن رقبا، گرانفروشی، ترویج فساد و فحشا برای فروش کالا، تولید و توزیع انواع کالاهای غیر ضروری و احیاناً فاسد‌کننده اخلاق جامعه و بینانهای خانواده چون مواد مخدر و مشروبات الکلی، نادیده گرفتن آثار جانبی منفی تأسیسات تولیدی چون تخریب محیط زیست و در یک جمله فداکردن مصالح و منافع جامعه برای رسیدن به سود شخصی، و در نتیجه، شکل‌گیری انبوهی از مستمندان و تهییدستان در کنار رشد سرطان وارثوت برای اقلیتی خاص از آثار زیانبار آزادیهای نامحدود در عرصه اقتصادی است امور فوق مصائبی است که امروزه تقریباً تمام اقتصادها بدان گرفتارند، کما یکنکه در سطح بین‌المللی سرمایه‌داری جهانی با استفاده از راههای گوناگونی چون تشکیل کارتلها و تراستها تولید و فروش خیلی از کالاهای اساسی را به انحصار خود درآورده و از یک طرف مواد خام کشورهای فقیر جهان سوم را به ارزانترین قیمت خریداری می‌کند و از طرف دیگر محصولات خود را با

بالاترین قیمتها به فروش می‌رساند. به علاوه هر نوع تلاش برای خودکفایی و به دست آوردن قسمتی از ارزش افزوده را در هم می‌شکند و کشورهای ضعیف را تا ابد وابسته به صادرات مواد اولیه و به مصرف رساندن ثروتهای ملی می‌کند.

نظام اقتصادی اسلام با توجه به خصلت حبّ نفس و زیاده‌طلبی انسان و با توجه به قانون کلی «لاضرر و لاضرار فن‌الاسلام» برای حفظ و دفاع از منافع جامعه، با پذیرش اصل بازار آزاد و آزادی فعالیتهای اقتصادی، حدود و مقرراتی برای آن در نظر گرفته است که مهمترین آنها عبارتند از:

#### ۱- مبارزه با اجحاف و گرانفروشی

امام علی (ع) در یک دستورالعمل برای فرماندار خویش می‌نویسند: «ولكن البيع بيعاً سمحاً، بموازين عدل و اسعار لا تجحف بالفريقيين من البائع والمبتاع»<sup>(۱)</sup> معاملات باید آسان، با ترازوها یا صحیح و با قیمتها یا که به هیچیک از طرفین (فروشنده و خریدار) ستم نرود، صورت گیرد.

در اینجا اشاره به دو نکته ضروری است. نکته اول اینکه اصل اولی در بازار اسلامی آزادی معاملات و قیمتهاست و نکته دوم اینکه مبارزه با گرانفروشی همیشه ملازم با قیمتگذاری نیست، بلکه در مرحله اول با توصیه‌های اخلاقی سپس با ایجاد محدودیتها و تنبیه روانی و در مرحله سوم با وضع جرائم و در نهایت با قیمتگذاری کالاهای خواهد بود؛ به طوری که از امام صادق (ع) نقل شده: «ما سعر امير المؤمنين (ع) على ماحده، ولكن من نقص عن بيع الناس قيل له: بع كما يبيع الناس والا فارفع من السوق الا ان يكون طعامه اطيب من طعام الناس»<sup>(۲)</sup> امیرالمؤمنین (ع) هیچگاه بر کالای کسی قیمتگذاری نکرد، ولی هر کس که در معامله مردم کم می‌گذاشت، به او گفته می‌شد همان طور که مردم می‌فروشند بفروش و گرنه از بازار خارج شو، مگر در مواردی که کالای وی بهتر از دیگران باشد.»

### ۲- جلوگیری از احتکار

امام علی (ع) در دستورالعملی که برای فرماندار خود می‌نویسند بعد از بیان اهمیت کار تجار و پیشه‌وران می‌گویند: «واعلم - مع ذلك - ان فى كثير منهم ضيقاً فاحشاً و شمحاً قبيحاً و احتكاراً للمنافع و تحكماً فى البيعات و ذلك باب مضرة للعامة و عيب على الولاة، فامنع من الاحتکار، فانَّ رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) منع منه»<sup>(۱)</sup> بدان - با وجود سفارشی که به تو درباره تاجران و پیشه‌وران کردم - در میان آنها گروهی تنگ نظر و بخیل در حد فاحش و قبیح وجود دارد که همواره در صدد احتکار منافع و تسلط بر معاملات هستند و این به منافع عامه ضرر می‌زند و عیب بر زمامداران است. پس از احتکار جلوگیری کن، چرا که رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) از آن منع کرده‌اند.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) در بزرگی گناه احتکار فرموده‌اند: «ولئن يلقى الله العبد سارقاً أحبّ إلى من ان يلقاه قد احتكر طعاماً أربعين يوماً»<sup>(۲)</sup> اگر بنده‌ای خدا را در روز قیامت به صورت دزد ملاقات کند در نظر من بهتر از این است که به صورت محتکری ملاقات کند که چهل روز طعامی را احتکار کرده است.

### ۳- جلوگیری از انحصار

شكل‌گیری انحصارات، از جهات عدیده موجب فقر و محرومیت و تشدید فاصله طبقاتی می‌گردد، در بازار انحصاری، از طرفی تولید در سطح پایین قرار دارد و در نتیجه بیکاری گسترش می‌یابد از طرف دیگر به دلیل کمیابی محصول، قیمتها در سطح بالا است که نتیجه این وضعیت، ورود فشار مضاعف بر اقشار است به این سبب اسلام مبارزه با انحصار و رانت‌جویی را از سیاستهای اصولی خود قرار داده است.

امام علی (ع) در نامه مذکور، فرماندار خود را از رانت‌جویی و ویژه‌خواهی بر حذر داشته می‌فرماید: «إياك والاستئثار بما الناس فيه اسوة»<sup>(۳)</sup> در چیزهایی که مردم در آنها برابرند از ویژه‌سازی و انحصار طلبی پرهیز کن.

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.  
۲- الحياة، ج ۴، ص ۴۶۳.  
۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

سپس حضرت متوجه اطرافیان فرصت طلب زمامداران شده، در نامه مورد نظر می‌نویستند: «ثم ان للوالی خاصه و بطانه فیهم استئثار و تطاول، و قلة انصاف فی معاملة، فاحسّم مادّة اوئلک بقطع اسباب تلك الاحوال و لاتقطعن لاحد من حاشیتك و حامتک قطیعة و لا يطمعن منك فی اعتقاد عقدة تضرّبمن يليها من الناس فی شرب او عمل مشترک يحملون مؤونته على غيرهم»:<sup>(۱)</sup> سپس بدان برای زمامدار، خاصان و صاحبان اسراری است که انحصار طلب و دست درازند، در داد و ستد با مردم عدالت و انصاف را رعایت نمی‌کنند. ریشه ست آنان را با قطع وسائل آن از بیخ برکن. به هیچیک از اطرافیان و بستگان خود زمینی از اراضی مسلمانان واگذار مکن، باید طمع نکنند قراردادی به سوء آنان منعقد سازی که مایه ضرر به سایر مردم باشد، خواه در آبرسانی یا هر عمل مشترک دیگر، به طوری که هزینه‌های آن را بردوش دیگران تحمیل کنند. مبارزه با انحصار طلبی در اسلام به حدّی بود که تا مدت‌ها حتی از ساختن مغازه در بازار مسلمین و اختصاص مکانی برای فرد خاص جلوگیری می‌شد. در روایتی از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده که می‌فرمودند: «سوق المسلمين كمسجدهم فمن سبق الى مكان فهو احق به الى الليل»:<sup>(۲)</sup> بازار مسلمین همانند مسجد آنان است هر کس زودتر مکانی را برای تجارت انتخاب کند تا شب حق اولویت به آن مکان با او است.

#### ۴- مبارزه با خیانت

یکی از راههای سالم‌سازی بازار، ایجاد جو سالم و قابل اعتماد میان خریداران و فروشنده‌گان است. اسلام از دو روش به این مهم پرداخته است. از یک سو با نهی از اعمال ناشایست و کارهای آلوده به خیانت چون کم‌فروشی و معیوب‌فروشی، آنان را به داشتن معاملاتی صحیح و روش فرامی‌خواند و از سوی دیگر با وضع قوانینی چون خیارات، به طرفین معامله اختیار می‌دهد که اگر مورد معامله، ناقص و معیوب یا کم‌ارزش بود، حق فسخ داشته باشند.

در قرآن آمده است: «وَيُلْلِيْلُ الْمُطَّفِّيْنَ»:<sup>(۳)</sup> وای بر کم‌فروشان.

۱- همان.

۲- کافی، کلینی، ج ۵، ص ۱۵۵.

۳- سوره مطهفين، آیه ۱.

پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌سَلَّمَ) فرمود: «شر الناس التجار الخونه»: <sup>(۱)</sup> تاجران خائن بدترین مردمند. امام صادق (علی‌ہی السلام) فرمود: «غین المؤمن حرام»: <sup>(۲)</sup> فریب دادن مؤمن حرام است.

### ۵- جلوگیری از مشاغل فاسد و مخرب

انگیزه سود طلبی موجب می شود که گروهی از تولیدکنندگان از مسیر سالم انسانی خارج شده، اقدام به تولید کالاهایی کنند که نه فقط به حال جامعه مفید نیست، بلکه انواعی از مفاسد اجتماعی، اخلاقی، جسمی و روحی را به دنبال دارد که از آن جمله می توان از تولید انواع مشروبات الکلی، مواد مخدر، فیلمها و مجلات خلاف عفت، و آلات قمار نام برد. تولید این قبیل کالاها در جامعه از دو جهت موجب عقب ماندگی و فشار بر اقشار فقیر و کم درآمد می شود. از یک سو مصرفشان عوارض جسمی و روحی بر جای می گذارد و هزینه های زندگی را افزایش می دهد و از سوی دیگر با اختصاص بخشی از منابع تولید به تولید این گروه کالاهای ضروری و مورد نیاز با مشکل مواجه می شود و در نتیجه قیمت کالاهای ضروری افزایش می یابد.

در نظام اقتصادی اسلام تحت عنوان «مکاسب محروم» (شغلهای حرام) از اشتغال تولیدکنندگان به تولید این نوع کالاهای ممانعت می شود.<sup>(۳)</sup>

### ج - توزیع ناعادلانه درآمد

شک نیست که منابع و عوامل مختلفی چون مواد خام و اولیه، نیروی کار، سرمایه نقدی، کالاهای سرمایه ای (مانند زمین، ساختمان، ماشین آلات، ابزار و تأسیسات) و مدیریت، در تولید محصول و به دنبال آن در تحصیل درآمد نقش دارند و آشکار است که هر یک از آنها باید سهمی در تولید و درآمد داشته باشند. کیفیت توزیع درآمد میان عوامل مذکور چه از نظر انتخاب نوع رابطه حقوقی و چه از نظر میزان سهم هر یک از عوامل از مسائل پیچیده و مهم نظامهای اقتصادی است و از آن میان سهم نیروی کار و سهم صاحبان سرمایه - خصوصاً سرمایه های نقدی - از اهمیت فوق العاده ای برخوردار

۱- الحیاة، ج ۶، ص ۳۸۷

۲- الحیاة، ج ۵، ص ۳۸۱

۳- مکاسب محروم، امام خمینی (س).

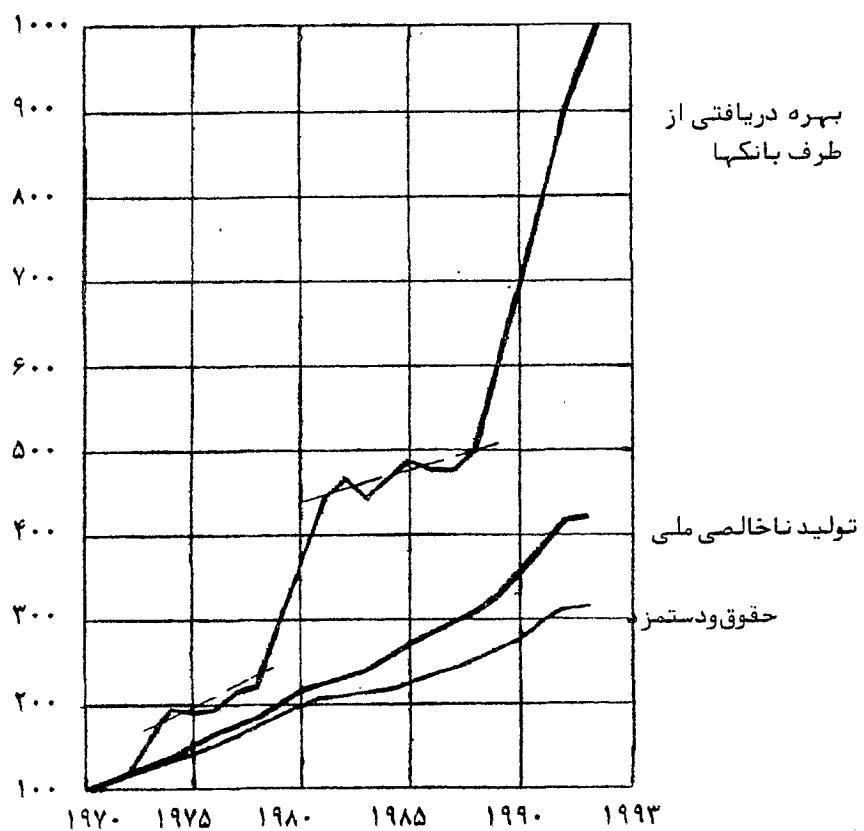
است.

عادلانه‌ترین نظام اقتصادی نظامی است که به هر یک از عوامل متناسب با ارزش افزوده‌ای که در تولید ایجاد می‌کند بپردازد. در غیر این صورت به طور مستمر بخشی از حقوق یک عامل توسط عامل دیگر دریافت می‌شود و به تدریج یک عامل با انباشت ثروت و دیگری با انبوهی از بدھی رو به رو خواهد شد.

در نظام سرمایه‌داری غالباً نیروی کار از طریق دستمزد ثابت روزانه یا ماهانه سهم خود را از درآمد دریافت می‌کند و مقدار آن در بازار کار تعیین می‌شود، کما اینکه صاحبان سرمایه نقدی سهم خود را به صورت بهرهٔ ثابت سالانه دریافت می‌کنند که مقدار آن در بازار پول و سرمایه تعیین می‌شود و درنتیجه سهم هر یک از آن دو عامل بیش از آنکه به نقش آفرینی‌شان در فعالیت اقتصادی و ارزش افزوده ناشی از آنها بستگی داشته باشد به میزان فراوانی و کمیابی آن دو عامل بستگی می‌یابد؛ به این بیان که هرچه عرضه کار و پول در بازارهای مربوط بیشتر باشد، نرخ دستمزد و نرخ بهره پایینتر خواهد بود و هرچه عرضه آن دو عامل کاهش یابد، نرخ دستمزد و بهره افزایش می‌یابد. حال اگر کارفرمای اقتصادی را متقاضی این دو عامل اقتصادی بدانیم، می‌توان حدس زد که در یک اقتصاد آزاد، نیروی کار از طرفی به علت ضرورت اشتغال، مجبور به عرضه کار خود است و از طرف دیگر به سبب پایین بودن قدرت چانه‌زنی، همیشه دستمزدی پایین‌تر از سهم واقعی خود خواهد گرفت. و در نقطه مقابل، صاحبان سرمایه به لحاظ عدم اضطرار و قدرت بالای چانه‌زنی، نرخ بهرهٔ بالایی را بر کارفرما تحمیل خواهند کرد که این واقعیت نه در حدّ یک حدس بلکه به عنوان یک حقیقت تلخ در اقتصاد جهانی حاکم است. برای مثال مطابق آمار رسمی بانک مرکزی آلمان در فاصله زمانی ۱۹۷۰-۱۹۹۳ تولید ناخالص ملی از رشد ۴۳۰ درصدی برخوردار بوده است. در این مدت، رشد حقوق و دستمزد ۳۱۰ درصد و رشد درآمد ناشی از بهره بیش از ۱۰۰۰ درصد بوده است؛ یعنی اینکه بطور مرتب سهم اکثریت نیروی کار توسط اقلیتی به نام صاحبان سرمایه بلعیده شده است.<sup>(۱)</sup>

۱- معضل پول، هلموت گروپس، ص ۲۲۸.

رشد درآمد بهره بانکی در مقایسه با رشد تولید ناخالص ملی و دستمزد (به درصد)



مأخذ: کرویتس، هلموت، معضل پول، صفحه ۲۲۸.

نظام اقتصادی اسلام در «مرحله اول» به عنوان قانون کلی بیان داشت که هر عامل باید به حق خود برسد. «وَيَا قَوْمٍ أُوفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ

**أَشْيَاةُهُمْ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»:**<sup>(۱)</sup> ای قوم! پیمانه و وزن را با عدالت، تمام دهد و اشیای مردم را به کم قیمت نگذارید و در زمین به فساد نکوشید، و در «مرحله دوم» با اتخاذ تدابیری اقتصاد را به سمت عادلانه شدن توزیع درآمدها سوق داد. مهمترین این تدابیر عبارتند از:

### ۱- گسترش روابط حقوقی کار

اسلام در کنار رابطه حقوقی اجاره و گرفتن دستمزد ثابت، برای نیروی کار روش‌های دیگری چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات یا ترکیبی از مشارکت و اجاره را مطرح کرد. در اقتصاد اسلامی یک یا چند کارگر می‌توانند در مقابل دستمزد ثابت و بر اساس عقد اجاره با کارفرما قرارداد بینند. همین طور می‌توانند در مقابل سهمی از تولید یا درآمد واحد اقتصادی، پیمان مشارکت بینند یا اینکه ترکیبی از دستمزد ثابت با سهمی از سود را انتخاب کنند. در نتیجه کارفرما و کارگران در اقتصاد اسلامی می‌توانند نه بر اساس عرضه و تقاضای بازار کار، بلکه بر اساس تقسیم درآمد و سود واقعی فعالیت اقتصادی به توافق بررسند.

### ۲- تأکید روی دستمزد عادلانه

در تعالیم اسلام تأکید فراوانی بر حقوق نیروی کار شده است، به طوری که غصب دستمزد کارگران یا کم دادن آن در ردیف گناهانی چون اختراع دین و انسان‌فروشی قرار گرفته است. پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علی‌ہی) می‌فرماید: «ان الله غافر كل ذنب، الا من احدث ديناً او اغتصب اجيراً اجره او باع حرّاً»<sup>(۲)</sup>: خداوند هر گاهی را می‌آمرزد، مگر اینکه کسی دینی بسازد، یا مزد کارگری را غصب کند یا شخص آزادی را به برداشتم بفروشد.

در روایت دیگری حضرت (ص) می‌فرمایند: «ابها الناس! من انتقض اجيراً اجره، فليتبؤاً مقعده من النار»<sup>(۳)</sup>: ای مردم! هر کس مزد کارگری را کم بدهد باید جایگاه خود

۱- سوره هود، آیه ۸۵. ۲- الحیاء، ج ۴، ص ۴۵۶

۳- همان، ص ۴۵۷

را در آتش جهنم آماده ببیند.

و در کلام دیگری پیامبر اکرم (ص) خطاب به امام علی (ع) فرمود: «یاعلی: لا یظلم الفلاحون بحضرتك»<sup>(۱)</sup> یا علی! مبادا با حضور تو بر کشاورزان ستم رود.

### ۳- تحریم ربا

اسلام رابطه حقوقی قرض با بهره بین صاحبان سرمایه نقدی و کارفرما را ظالمانه دانسته به شدت با آن به مبارزه برخاست؛ به طوری که آن را در ردیف پیکار با خدا و رسول خدا قرار داد : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ قَاتَلُوكُمُ الَّلَّهُ وَرَسُولُهُ مَا يَقِيَ مِنَ الرِّبَّيَا إِنَّ كُثُرَمُؤْمِنِينَ قَاتَلُوكُمْ لَمْ تَقْتَلُوهُمْ إِنَّمَا يَحْرُبُكُم مِنَ الَّلَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُفْسِدُ فَلَكُمْ رُؤوسُ أُمُوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»<sup>(۲)</sup>: ای کسانی که ایمان آورده اید از مخالفت با فرمان خدا پیرهیزید و آنچه از ریا باقی مانده، رها کنید، اگر ایمان دارید، اگر چنین نمی کنید اعلان جنگ با خدا و رسول بدھید، و اگر توبه کنید سرمایه های شما از آن شما است، نه ظلم می کنید و نه بر شما ظلم وارد می شود.

بدین ترتیب اسلام گرفتن بهره ثابت را برای صاحبان پول به عنوان ریا منوع کرد، لکن در مقابل به آنان اجازه داد که از طریق عقود مشارکت و مضاربه با عامل اقتصادی و کارفرما در فعالیت اقتصادی شریک شده، سهمی از سود واقعی را بردارند. این تغییر بازتاب فراوانی در بخش‌های مختلف اقتصادی بر جای می‌گذارد که مهمترین آنها تقسیم عادلانه سود و زیان احتمالی فعالیتهای اقتصادی بین دو عامل اصلی تولید یعنی کار و سرمایه است.

### ۴- رواج گناه و اعمال ناشایست

در جهان‌بینی اسلامی، عامل فقر و غنی منحصر در مسائل مادی و نظمات اقتصادی نیست. وجود روابط سالم و برادرانه میان افراد جامعه، مراعات ضوابط عفاف و تقوا، شکر نعمت و نیز توجه شایسته به دستورات الهی موجب نزول رحمت پروردگار و

۱- همان ج ۲. ص ۷۴۴.

۲- سوره بقره، آیه ۲۷۹ و ۲۷۸.

گسترش نعمات الهی خواهد شد کما اینکه در نقطه مقابل، رواج گناه و اعمال ناشایست، بی توجهی به نیازمندان و محروم‌ان، کفران نعمت و روی‌گردنی افراد از ارزش‌های الهی موجبات غضب الهی و قطع نعمت خواهد شد. در قرآن آمده است: «لَئِن شَكْرُتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»<sup>(۱)</sup>: اگر شکرگزاری کنید بر شما خواهم افزود و اگر ناسی‌پاسی کنید مجازاتم شدید است. در جای دیگر آمده است: «أَوَ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنَّ لَوْ نَشَاءُ أَصَبَّنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبِعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ»<sup>(۲)</sup>: آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان آن می‌شوند، عبرت نمی‌گیرند که اگر بخواهیم، آنها را نیز به گناهانشان هلاک کنیم و بر دلها یشان مهر می‌نهیم تا نشنوند.

در روایات پیامبر (صلی الله علیه و سلیمانة) و امامان معصوم(ع) نیز به این موضوع توجه شده است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اذا ظهر الخيانات، ارتفعت البركات»<sup>(۳)</sup>: زمانی که خیانتها یکی پس از دیگری آشکار گردند، برکتها از جامعه رخت بر می‌بندند. یا «اعتیاد الكذب يورث الفقر»<sup>(۴)</sup>: عادت به دروغ گفتن موجب فقر می‌گردد یا «قطيعة الرحم تورث الفقر»<sup>(۵)</sup>: قطع رحم موجب فقر می‌شود.

به این علت در تعالیم اسلام علاوه بر تأکید بر عوامل سابق، به اصلاح روابط اجتماعی و رعایت موازین تقوا نیز سفارش شده است. و نیز در قرآن آمده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ آمُوا وَأَتَّقَوْا فَتَحَتَّا عَنْيَهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»<sup>(۶)</sup>: اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آورند و تقوا پیشه می‌کرند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم.

در روایات نیز در مقابل گناهانی که موجبات فقر می‌شود اعمال شایسته‌ای به عنوان موجبات افزایش روزی بیان گردیده است. پیامبر (صلی الله علیه و سلیمانة) فرموده‌اند: «الامانة تجلب الرزق»<sup>(۷)</sup>: امانت‌داری موجب افزایش روزی می‌گردد.

۱- سوره ابراهیم، آیه ۷.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۰۰.

۳- میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۴۸.

۴- همان.

۵- همان.

۶- سوره اعراف، آیه ۹۶.

۷- تحف العقول، ص ۳۸.

امام باقر (ع) می فرمایند: «البّر و صدقة السر ينفيان الفقر»<sup>(۱)</sup> نیکی و صدقه پنهانی فقر را از بین می برد. از امام علی (ع) نقل شده است: «قول الحق يزيد في الرزق»<sup>(۲)</sup> حق گویی روزی را زیاد می کند. همچنین پیامبر (صلوات الله علیه و سلام) فرموده اند: «صلة الرحم تزيد في العمر و تنفي الفقر»<sup>(۳)</sup> صله رحم عمر را افزایش داده فقر را از بین می برد.

### تأمین اجتماعی بیچارگان

مباحثی که تاکنون بیان گردید راجع به شناخت عوامل تحقق فقر، تضاد طبقاتی و راههای پیشگیری از آن بود. علاوه بر اینها اسلام راههایی برای تأمین اجتماعی بیچارگان و گرفتاران مطرح کرده است.

در هر جامعه افراد به سه گروه تقسیم می شوند: گروهی که می توانند از طریق کار و فعالیت اقتصادی نیازمندیهای خود را تأمین کنند. گروهی که فقط بخشی از نیازمندیهای خود را برآورده می کنند و گروهی که به دلیل نداشتن توان فعالیت اقتصادی یا نبودن زمینه فعالیت، قادر به تأمین نیازهای خود نیستند. در نظام اقتصادی اسلام برای تأمین مایحتاج گروه سوم و تکمیل مایحتاج گروه دوم دو راه پیش بینی شده است:

#### ۱- تکافل عام

این اصطلاح به معنای مسئولیت متقابل افراد جامعه اسلامی نسبت به تأمین نیازهای حیاتی یکدیگر یا کفالت همگانی براساس اخوت و وحدت اسلامی است. این مسئولیت در حد سایر فرائض، فرضهای لازم الاجرا است. برای مثال چنانچه در اثر سوانح طبیعی مانند زلزله و سیل عده‌ای امکانات زندگی خود را از دست بدھند، وظیفه همه افراد جامعه این است که در تأمین نیازهای حیاتی آنان اقدام کنند و در صورت کوتاهی از ایفاده وظیفه دولت اسلامی می توانند آنان را برانجام دادن آن ملزم کنند. این مسئولیت به قدری مهم است که خداوند جامعه را به خاطر کوتاهی در انجام دادنش تهدید می کند: «هَأَنْتُمْ هُؤُلَاءِ تُدْعَونَ لِتُتَقْبِلُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَتَخَلَّ وَمَنْ يَتَخَلَّ فَإِنَّمَا يَتَخَلَّ عَنْ نَفْسِهِ

۱- بخار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۱

۲- همان، ج ۷۶، ص ۳۱۵

۳- همان، ج ۷۴، ص ۱۰۳

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَإِنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلُوا يَسْتَبِدُونَ قَوْمًا غَيْرَ كُمْ شَمَ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ»<sup>(۱)</sup> آری شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید. بعضی از شما بخل می‌ورزند، و هر کس بخل ورزد نسبت به خود بخل کرده است و خداوند بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید. و هرگاه سریچی کنید خداوند گروه دیگری را جای شما می‌آورد پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق خواهند کرد). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده‌اند: «ما آمن بی من بات شبعان و جاره جائع»<sup>(۲)</sup>: کسی که شب سیر بخوابد، در حالی که همسایه‌اش گرسنه باشد به من ایمان نیاورده است.

## ۲- ضممان اعاله

دولت اسلامی موظف است با استفاده از منابعی که در اختیار دارد از طریق فراهم کردن زمینه‌های اشتغال مناسب یا از طریق کمکهای بلاعوض، معیشت شهروندان جامعه اسلامی را در سطحی مناسب با کرامت انسان تأمین کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «اذْكُرَ اللَّهَ الْوَالِيَ مِنْ بَعْدِي عَلَىٰ امْتِي ... وَلَمْ يَقْرَهُمْ فِي كُفْرِهِمْ»<sup>(۳)</sup>: خدا را به یاد هر حاکم اسلامی پس از خود می‌آورم ... مردمان را فقیر نکند که در نتیجه کافرشان خواهد کرد.

در نامه حضرت علی (علیه السلام) به ابن عباس فرماندار مکه آمده است: «... وَانظِرْ إِلَى مَا جَمِعَ عَنْكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَىٰ مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذُوِّ الْعِيَالِ وَالْمَجَاعَةِ، مَصِيبَةً بِهِ مَوْاضِعُ الْفَاقَةِ وَالْخَلَاثَاتِ وَمَا فَضَلَ عَنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ إِلَيْنَا لِنَقْسِمَهُ فِيمَنْ قَبْلَنَا»<sup>(۴)</sup>: اموالی که نزد تو جمع شده و مربوط به خداوند است به دقت در مصرفشان بنگر و آنها را به مصرف عیالندان و گرسنگان برسان، به طوری که صحیح به دست فقرا و نیازمندان برسد و مازاد آن را نزد ما بفرست تا بین کسانی که در اینجا هستند تقسیم کنیم. در تاریخ اسلام نیز می‌خوانیم که بلال از طرف رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مأمور رسیدگی به وضعیت فقرا و بیتوایان و تأمین مایحتاج آنان شد و حتی اجازه یافت در صورت نبودن امکانات مالی برای بیت‌المال، قرض کرده، مایحتاج محرومان را تأمین کند.<sup>(۵)</sup>

۱- سوره محمد. آیه ۳۸.

۲- کافی، ج ۲، ص ۶۶۸.

۳- الحیاء، ۴، ص ۴۲۲.

۴- نهج البلاغه، نامه ۶۷.

۵- سید کاظم صدر. اقتصاد صدر اسلام. ص ۷۲.

### فهرست منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم

۲- آربلاستر، آتنوی؛ ظهور و سقوط لیبرالیسم.

۳- امام خمینی، شیخ، اصول کافی.

۴- تحت العقول.

۵- حکیمی، محمد رضا، الحیاة، ترجمه احمد آرام، ج ۳.

۶- حکیمی، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی.

۷- دعائیم اسلام.

۸- ری شهری، محمد؛ میزان الحكمه.

۹- صدر، سید کاظم؛ اقتصاد صدر اسلام.

۱۰- صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، مکتبة الاعلام الاسلامی.

۱۱- عاملی، شیخ حر؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱.

۱۲- کرویش، هلموت، معضل پول.

۱۳- کلینی، شیخ، اصول کافی.

۱۴- مجلسی، سید محمد باقر، بحارات انوار، ج ۷۴